

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۶۷

جمعه ۳ مرداد ۱۳۹۳، ۲۵ جولای ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

"خلافت اسلامی" در عراق و "ولایت فقیه" در ایران

جنگ غزه ادامه چه سیاستی است؟

گر رسم شود که مست گیرند! ...

جنایت "احتمالی" دولت اسرائیل!

صفحه ۷

بحران عراق و موقعیت جمهوری اسلامی

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی



محمد کاظمی: میدانیم که جمهوری اسلامی بعد از سقوط صدام یکی از حامیان دولت مالکی بوده است و دارای نفوذ سیاسی در عراق است. در وضعیت فاجعه بار اخیر هم جمهوری اسلامی یکی از بازیگران این صحنه است. فکر میکنید نقش جمهوری اسلامی در وضعیت حاضر چیست و در آینده چه موقعیتی پیدا خواهد کرد؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید جمهوری اسلامی خودش یک پای اوضاعی است که در عراق پیش آمده. نه فقط در چند هفته اخیر و با میداندار شدن داعش بلکه از همان زمان سقوط صدام، جمهوری اسلامی

با دفاع از دولت مالکی و نیروهای شیعه در عراق یکی از نیروهای مذهبی ارتجاعی بوده است که در از هم پاشاندن شیرازه جامعه عراق نقش مستقیمی ایفا کرده است. جامعه عراق بعد از حمله آمریکا و متحدینش به جولانگاه نیروهای مذهبی و دارو دسته های قومی و عشیره ای تبدیل شد. جمهوری اسلامی هم یکی از این نیروهای ارتجاعی و یکی از قویترین آنها بود. یکی از قویترین نیروهای ارتجاعی دخیل در عراق بود اساسا بخاطر اینکه دولتی بود در همسایگی عراق که جنگ و رقابت قدیمی هم با عراق در منطقه داشت و نسبت به ارتش شکست خورده عراق نیروی نظامی قویتری بود، و از طرف دیگر هم روابط نزدیکی با احزاب

ناسیونالیست کرد در عراق داشت. و همچنین متحد با نیروهای شیعه در دولت مرکزی و در مناطق جنوبی عراق بود. در نتیجه این فاکتورها، بعد از صدام، عراق به یک منطقه نفوذ جمهوری اسلامی تبدیل شد. اگر بخواهیم نیروهای ارتجاعی و مذهبی که مستقیما در ایجاد

صفحه ۲

کشتار در بزرگترین زندان جهان!

تهاجم نظامی اسرائیل به غزه ادامه توحش داعش در عراق است!

محسن ابراهیمی

صفحه ۴

چشم انداز مذاکرات هسته ای رژیم اسلامی و کشورهای ۱+۵

علی جوادی

صفحه ۵

جنبشی سراسری علیه شهریه مدارس

شهلا دانشفر

صفحه ۶

بازنشستگان ذوب آهن اصفهان باز هم دست به تجمع اعتراضی زدند!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

ما خواهان آزادی فوری ریحانه جباری هستیم!

روز شنبه ۲۶ ماه ژوئیه

برای آزادی ریحانه،

یک تلاش جمعی و بین المللی

صفحه ۱۰

۱۱ مرداد ، ۲ اوت، روز جهانی حمایت

از رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و

شاهرخ زمانی سه تن از چهره های

شناخته شده کارگری

صفحه ۱۲

بحران عراق و موقعیت جمهوری اسلامی

شرایط فاجعه بار عراق نقش داشته اند را لیست کنیم جمهوری اسلامی در کنار دولت مالکی و دارو دسته های سنی و شیعه و غیره، و امروز در کنار داعش، قرار میگیرد. به این معنی جمهوری اسلامی خودش یک پای بحران عراق و صورت مساله عراق هست. البته زمینه شرایط عمومی این وضعیت را همانطور که اشاره کردم هجوم نظامی آمریکا و متحدینش به منطقه ایجاد کرد. و بر این زمینه بود که جمهوری اسلامی و نیروهای ارتجاعی و مذهبی دیگر افسار گسیختند و توانستند جامعه عراق را به وضعیت فاجعه بار حاضر دچار کنند.

محمد کاظمی: الان جمهوری اسلامی طرفدار دولت مالکی و در برابر داعش است و وقتی مردم مقایسه میکنند بین دو تروریسم جمهوری اسلامی و داعش، جمهوری اسلامی یک نیروی معتدلی به نظر می آید. فکر میکنید که این ظاهر معتدل تر چقدر میتواند به جمهوری اسلامی، در موقعیتش در خاورمیانه و علی العموم رابطه اش با آمریکا کمک کند؟ چون میدانیم آمریکا هم ظاهراً علیه داعش هست.

حمید تقوائی: در نگاه اول همانطور که گفتید اینطور به نظر میرسد که جمهوری اسلامی میتواند در مقایسه با داعش و در برابر آن برای خودش آبرویی بخرد ولی این به نظر من، اگر هم در جایی تاثیری بر افکار عمومی داشته باشد، یک امر بسیار موقت و گذرانی هست. در رابطه با جامعه ایران و جامعه عراق فکر نمیکنم جمهوری اسلامی اساساً بتواند از این شرایط به نفع خودش بهره برداری کند. مثلاً قادر باشد اینطور وانمود کند که میخواهد از فروپاشی جامعه عراق جلوگیری

همین چند هفته همه دیده اند که جمهوری اسلامی در برابر داعش بر طبل دفاع از شیعیان و پاسداری از عتبات عالیات و امام و امامزاده های شیعه در عراق میکوبد. دفاع از مردم عراق و یا جامعه عراق بمیدان نیامده بلکه در دفاع از شیعیان در مقابل سنی ها و سلفی ها و غیره علم اش را بلند کرده است. و به این ترتیب بر همه روشن شده است که جمهوری اسلامی یک پای جنگ قومی - مذهبی جاری در عراق است. این را هم بگویم که گرچه ممکن است تفاوت های کمی ای بین داعش و جمهوری اسلامی وجود داشته باشد ولی از نظر خصلت سیاسی و اعتقادات و ارزشها و ایدئولوژی، جمهوری اسلامی و داعش تفاوتی با هم ندارند. داعش یک نیروی کاملاً ضد زن است، زنها را از کار و مشاغلی که دارند اخراج میکند و حضور آنها در جامعه را کاملاً محدود کرده است و جمهوری اسلامی هم عیناً همین سیاست را در ایران دارد. داعش افراد را بعنوان کافر و مرتد و منافق و غیره اعدام میکند و جمهوری اسلامی هم تا کنون هزاران نفر را به همین نوع "جرم" ها اعدام کرده است. اگر جمهوری اسلامی نمیتواند مثل داعش با تمام تبحر و توحش مذهبی اش ظاهر شود، بخاطر مقاومت و اعتراضات وسیعی است که در جامعه وجود دارد و نه بدلیل تفاوت در اعتقادات و سیاستها و ارزشهای این دو نیروی مذهبی. اینها دو نیروی مذهبی، کاملاً ضد تمدن، ضد انسانیت و عقب مانده هستند و در یک کلاس قرار دارند. تفاوت بین نیروی است که تحت فشار اعتراضاتی که در ایران وجود دارد قرار نگرفته است و افسار گسیخته و بروی جامعه تیغ میکشد با حکومتی که مردم در برابر توحش اش سد بسته اند. جمهوری اسلامی هم هر وقت خودش را در خطر دیده است مثل سال ۸۸ عیناً مانند داعش به جامعه تاخته است و سرکوب و کشتار کرده است. فرق ماهوی و اساسی ای بین این دو نیرو نیست. محمد کاظمی: شما در

مورد نقش جمهوری اسلامی در اوضاع عراق صحبت کردید. حالا اجازه بدهید به این مساله بپردازیم که این روند در موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی و موقعیتش در جامعه ایران چه تاثیری دارد؟

حمید تقوائی: همانطور که اشاره کردم در اثر این تحولات موقعیت جمهوری اسلامی در عراق تضعیف خواهد شد. دولت مالکی بماند و یا برود و هر اتفاقی بیفتد ادامه این روند کاملاً به ضرر جمهوری اسلامی و به نفع رقبا یعنی عربستان و ترکیه و نیروهای سنی در عراق تمام خواهد شد. تا همینجا هم اینها دست بالا پیدا کرده اند. عراق برای جمهوری اسلامی یک برگ برنده ای محسوب میشد در رابطه با دولتهای دیگر منطقه و حتی در مناسبات و مذاکراتش با غرب. در تناسب قوای منطقه ای، غرب این را در نظر می گرفت که جمهوری اسلامی نیروی است که در جامعه و حکومت عراق نفوذ دارد و میتواند سیاستها و اهدافش را در این کشور به پیش ببرد. اما امروز این کارت از دست جمهوری اسلامی خارج شده، عراق به هم ریخته است و دولت مرکزی بی اتوریته و بی اعتبار تر از پیش شده است. به نفع جمهوری اسلامی بود مالکی همچنان سر کار باشد و وضعیت قبل از ظهور داعش ادامه پیدا کند و جمهوری اسلامی بتواند همچنان بعنوان یک نیروی ذینفوذ در عراق در مناسبات و توازن قوای منطقه ای بحساب بیاید. امروز اینها همه از دست رفته است و به این معنی جمهوری اسلامی در منطقه در موقعیت بسیار ضعیف تری قرار گرفته است.

این تضعیف منطقه ای مستقیماً در موقعیت رژیم در خود ایران هم تاثیر خواهد داشت. اینها از هم جدا نیست. جمهوری اسلامی همیشه تلاش داشته است که مثلاً با دخالتگری در سوریه و یا عراق بعنوان یک نیروی ذینفوذ و مقتدر در منطقه ظاهر بشود و این تصویر سازی را در خدمت بقا و تثبیت خودش در خود جامعه ایران بکار بگیرد. با تحولات اخیر عراق کل این تصویر در هم

میشکند. اگر این را در کنار بحران هسته ای و بن بست مذاکرات هسته ای قرار بدهید متوجه میشوید که شرایط هم در منطقه و هم در خود ایران کلاً به ضرر جمهوری اسلامی تغییر کرده است.

محمد کاظمی: میتوانیم از یک زاویه دیگری به این مساله نگاه بکنیم. اتفاقاتی امروز در جامعه عراق در حال وقوع است و جامعه عملاً به سه بخش سنی و شیعه و کردشین تقسیم شده. آیا این احتمال هست که این وضعیت به جامعه ایران هم سرایت کند؟ مثلاً در مناطقی مثل خوزستان و یا کردستان نیروهای سنی قد علم کنند و بخشی از مردم را پشت سر خود بسیج بکنند؟

حمید تقوائی: طبعاً این امکان امروز نسبت به قبل از سربلند کردن داعش بیشتر شده است. بالاخره ارتجاع هم یک الگوهای بدست میدهد که نیروهای ارتجاعی دیگر از آن الهام میگیرند و ممکن است فعال بشوند. ولی به نظر من در جامعه ایران چنین تاثیری اگر هم رخ بدهد گذرا خواهد بود. شاید بشود گفت جامعه ایران تنها جامعه ای در خاورمیانه است که نیروهای مذهبی بعنوان نیروهای که پایگاهی داشته باشند و بخشی از جامعه را نمایندگی کنند و یا در اپوزیسیون امکان خودنمایی بیابند بهیچوجه شانس و امکانی ندارند و نمیتوانند مکانی در عرصه سیاست پیدا کنند. دلیلش هم واضح است. جمهوری اسلامی بیش از سه دهه است که در ایران حاکم بوده و مردم خیلی روشن و بلاواسطه و صریح ماهیت نیروهای مذهبی را میشناسند. چه در حکومت و چه در اپوزیسیون آن و چه سنی و چه شیعه و یا هر دارو دسته مذهبی دیگری. ازینرو میشود گفت که جامعه ایران دارای شرایط مساعدی برای رشد نیروهای متحجر مذهبی ای نظیر داعش نیست.

نکته دیگر این هست که در

بحران عراق و موقعیت جمهوری اسلامی

جامعه ایران سطح مبارزات اجتماعی، مبارزات مترقی و انسانی و پیشرو بسیار بالاتر از کشورهای دیگر منطقه است؛ نه تنها نسبت به کشورهای مثل عراق و افغانستان و سوریه بلکه حتی نسبت به کشوری نظیر مصر که انقلاب عظیمی را پشت سر گذاشته است. بعنوان نمونه در جامعه ایران يك جنبش عظیم علیه اعدام وجود دارد که نظیرش را در خاورمیانه نمی بینید. يك جنبش و جو و فضای سیاسی عمومی علیه آپارتاید جنسی و حجاب اجباری و کلا تبعیضات فاحش نسبت به زنان وجود دارد که باز نظیر آنرا در کشورهای دیگر اسلامزده - و حتی جوامع غربی که دولتهایشان سیاست تحمل قوانین شرعیه را در پیش گرفته اند - کمتر می بینید. و در مورد جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی و کلابی خدائی نیز همین را میتوان گفت. مثلاً در همین ماه رمضان روزه خواری به يك شیوه اعتراض و مبارزه مردم تبدیل شده که حتی خود آخوندهای نماز جمعه را به شکایت و ذکر مصیبت انداخته است. در هیچ کشور دیگری در خاورمیانه چنین پدیده ای نمی بینید. جنبش کارگری در ایران هم موقعیت ویژه ای دارد. من فکر نمی کنم در هیچ کشور دیگری در منطقه شخصیتها و چهره ها و نهادهای جنبش کارگری در این سطحی که در ایران شاهد هستیم جلو آمده باشند و حتی از درون زندانها اعتراض بکنند، و نه تنها بر سر مسائل کارگری بلکه در دفاع از حقوق کودک، برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه اعدام و غیره فعال باشند. همه این جنبه ها نشان میدهد که سطح مبارزات اجتماعی بر سر خواستهای انسانی که از جنس انقلاب نان آزادی کرامت انسانی در مصر است در ایران بالاست و

محمد کاظمی، به نقش نیروهای مترقی بخصوص حزب کمونیست کارگری ایران خواهیم پرداخت، منتهی قبل از آن سؤال دیگری را لازمست طرح کنم. شما به انقلابات منطقه و انقلاب مصر و سوریه که به يك جنگ ارتجاعی قومی مذهبی تبدیل شد اشاره کردید. فکر میکنید اتفاقات عراق چقدر متأثر از شکست این انقلابات در منطقه هست؟

حمید تقوائی، به نظر من این انقلابات به دو معنی و در دو جنبه، هم تا آنجا که موفق شدند و هم بخاطر اینکه نهایتاً نافرجام ماندند، بر شرایط حاضر تاثیر داشته اند. این انقلابات در يك سطحی یعنی تا آنجا که به مبارزه علیه دیکتاتورها مربوط میشود موفق شدند، یعنی توانستند دیکتاتورهای که کاملاً مورد اتکای غرب بودند و دنباله رو سیاستهای غرب و حتی دست نشانده قدرتهای غربی بودند را بزیر بکشند. این امر باعث شد که نفوذ و هژمونی و قدرت آمریکا در منطقه بسیار تضعیف بشود. همانطور که کیسینجر گفت سقوط مبارک ریختن دیوار

برلین غرب بود. این ضربه ای بود به نفوذ و هژمونی آمریکا در دنیا و بخصوص در خاورمیانه. بنابراین این انقلابات آنجا که موفق شدند تاثیرشان بر شرایط امروز اینست که نفوذ ارتجاع جهانی و بورژوازی جهانی را بر منطقه تضعیف کردند. اما این خلا بوسیله نیروهای چپ و انقلابی و مترقی پر نشد. يك علت این امر این بود که این انقلابات به پیروزی نهایتی یعنی تحقق شعار نان آزادی کرامت انسانی نرسیدند و بخصوص در آخرین اپیزود "بهار عربی" یعنی در سوریه در همان گام اول به خون کشیده شدند. این باعث شد که نیروئی مثل داعش که میدانید اساساً در سوریه ظهور و رشد و گسترش پیدا کرد بمیدان بیاید. و یا نیروهای اسلامی ارتجاعی دیگری چه در مقابل اسد و چه در حمایت از او فعال بشوند. جمهوری اسلامی و عربستان سعودی و ترکیه روی این نیروها سرمایه گذاری کردند و در سوریه فعال شدند و امروز هم در عراق همین وضعیت ایجاد شده است. به این ترتیب شکست انقلاب در سوریه زمینه ای فراهم کرد برای افسارگسیختگی نیروهای وحشی ای نظیر داعش. بنابراین میتوان گفت که توقف در نیمه راه و نافرجام ماندن نهائی انقلابات منطقه و بویژه شکست در سوریه فضای مناسبی برای بیرون ریختن جانوران اسلامی بوجود آورد که يك محصول آن شرایط فاجعه بار حاضر در عراق است.

محمد کاظمی، بعنوان آخرین سؤال، راه برون رفت از این شرایط چه در عراق و چه کلاً در خاورمیانه چیست؟ و نیروهای سکولار و چپ و آزادیخواه و حزبی مثل حزب ما چطور میتوانند جامعه ایران را در برابر اتفاقاتی نظیر آنچه در عراق میگذرد مصون بدارند؟

حمید تقوائی، اولین گام در حل مساله اینست که بساط دولتها و نیروهای مذهبی، قومی، ناسیونالیستی و عشیره ای و قبیله ای، نظیر این دارو دسته های مسلحی که با

برخورداری از حمایت دولتهای ارتجاعی بجان یکدیگر و بجان مردم افتاده اند، از خاورمیانه جمع بشود. این نیروها نه در دولتها و نه در اپوزیسیون آنها نباید هیچ جایی داشته باشند. يك شعار و خواست محوری در این شرایط دفاع از يك جامعه سکولار و دولتهای غیر مذهبی، غیر قومی، غیر عشیرتی است. این شعار و خواستی فقط علیه داعش و اسلاميون نیست بلکه علیه غرب هم هست. علیه آمریکا هم هست. بخاطر اینکه سیاست آمریکا هم چیزی جز این نیست که این نیروها را بجلو براند و يك موزائیکی از سران مذاهب و اقوام و قبایل را دور هم بچیند و "دموکراسی" ای از نوع لویا جرگه سر هم کند. در افغانستان، در سوریه و در عراق همین سیاست را پیاده کردند. همین امروز آمریکا در برابر داعش مطرح میکند که به اندازه کافی دولت مالکی نیروها و سران مذاهب مختلف و مشخصاً سنی ها را در خودش نمایندگی نکرده است و در دولت دخالت نداده است. می بینید که فرق کیفی ای بین سیاست های داعش و آمریکا نیست. در سیاست و استراتژی هر دو، مذاهب و اقوام و قبایل نقش کلیدی ای دارند. باید علیه کل این وضعیت، جامعه بسیج بشود و بمیدان بیاید و این کار چپ است. به نظر من نه لیبرالها و نه دموکرات ها - اگر اصولاً لیبرال و دموکراتی امروزه بتوانید پیدا کنید - و نه هیچ نیروی دیگری بجز کمونیستهای انقلابی اهل این میدان نیستند. امروز پرچم جدائی مذهب از دولت و از قوانین و از زندگی اجتماعی مردم و پرچم اتمه نسیسم و مبارزه علیه خرافه مذهب در تمام سطوح در دست کمونیسم کارگری است. نیروهای دیگر، حتی آنها که ادعای چپ و ترقیخواهی دارند، حداکثر از نوعی جامعه موزائیکی متشکل از مذاهب و اقوام متفاوت و دولتهای سرهم بندی شده از سران این مذاهب و فرقه ها دفاع میکنند. بنابراین، نبرد با نیروهای اسلامی و دکتورین ها و سیاستهای بورژوازی

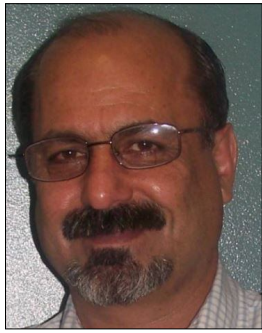
جهانی که منجر به میداناری این نیروهای فوق ارتجاعی شده است، دست طبقه کارگر و دست کمونیستها و چپ انقلابی را می بوسد. چپ باید پرچم جامعه و يك حکومت غیر مذهبی و غیر قومی را بلند کند. دفاع از تمدن و دفاع از مدنیت در چارچوب نظم نوین سرمایه داری جهانی ممکن نیست. دفاع از تمدن و مدنیت یعنی دفاع از سوسیالیسم. یعنی زدن زیر پایه ها و اقتصاد سیاسی ای که این نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی را روی کار آورده است.

به این معنی، کمونیسم دریچه ای باز میکند برای نشان دادن راه رهائی به مردم. در این حرکت به نظر من جامعه ایران جای برجسته ای دارد. نه فقط بخاطر اینکه در خاورمیانه قرار گرفته است و نه فقط بخاطر اینکه يك نیروی اسلامی بیش از سه دهه است بر آن حاکم است، بلکه بویژه به این دلیل که در جامعه ایران مبارزات بر حق و عادلانه و آزادیخواهانه و انسانی در عرصه های مختلف بسیار وسیع و گسترده است. همانطور که اشاره کردم ما جنبشهای اجتماعی در ایران داریم نظیر جنبش علیه اعدام و برای آزادی زن، برای خلاصی فرهنگی جوانان، در عرصه مبارزات کارگری که در خاورمیانه نظیرش را کمتر می بینید. به این معنی جامعه ایران از نظر اجتماعی و سیاسی زمینه این را فراهم کرده است که نیروئی مثل حزب ما، کمونیسم انقلابی، کمونیسم کارگری، بتواند با پرچم يك جامعه بری از ارتجاع مذهبی و قومی بمیدان بیاید و نیرو بسیج کند. راه حل ایران و خاورمیانه این است که بساط سیاستهای نظم نوینی غرب و نتایجش، یعنی نیروها و دولتهای ارتجاعی و اسلامی، از منطقه جمع بشود. تنها راه رهائی مردم، يك جامعه بری از تبعیض طبقاتی و تبعیض و خرافات نژادی و قومی و مذهبی است و حزب ما بویژه در شرایط حاضر گردآوری نیرو حول این پرچم را در صدر وظایف خودش قرار داده است.*

کشتار در بزرگترین زندان جهان!

تهاجم نظامی اسرائیل به غزه ادامه توحش داعش در عراق است!

محسن ابراهیمی



سپتامبر این دو کمپ تروریستی علنا در مقابل هم قرار گرفتند. دو کمپ و دو نیروئی که یکی در لباس دمکراسی و دیگری در لباس ضدیت با آمریکا به جان مردم جهان افتاده اند و البته تا کنون هیچکدام در مقابل هم نه تماما شکست خورده اند و نه تماما پیروز شده اند.

طرفین این کشمکش خونین بسیار وسیع هستند اما به طور اساسی در یک طرف این کشمکش پسا جنگ سردی، آمریکا و دول غرب و اسرائیل و متحدین سیاسی منطقه ایشان مثل عربستان و شیوخ و امرای منطقه خلیج و گانگسترهایی مثل داعش و غیره قرار دارند و در طرف مقابل جمهوری اسلامی، سوریه، حزب الله، حماس و روسیه قرار دارند.

تهاجم به عراق با اسم رمز "شوک و وحشت" در سال ۲۰۰۳ که قرار بود با "سرعت برق و اثری ویرانگر" به بالانس جدید قدرت در جهان بعد از جنگ سرد به نفع آمریکا و دول غرب نقطه پایان بگذارد تازه تبدیل شد به آغازی حتی خونین تر در نبرد قدرت. "دمکراسی در خاورمیانه بزرگ" که ژورنالیسم سرسپرده با وقاحت کم نظیری به عنوان بهشت نوین برای مردم عراق تبلیغش میکرد در اولین آزمایشگاهش یعنی عراق جهنمی برجای گذاشت که در آن از طریق یک دولت مذهبی شیعی زمین را برای عروج کرکسان اسلامی مثل داعش هموار کردند که با پرچم خونین لا اله الا الله سر میبردند و قتل عام میکنند و تجاوز سازمان یافته به زنان راه می اندازند.

جهان متمدن در مقابل جهان وحشی

چند سال پیش، خاورمیانه و شمال آفریقا، همان منطقه ای که در "استراتژی دفاعی برای دهه نود" منطقه مساعدی برای تامین برتری آمریکا در بالانس بربریت جدید اعلام شده بود، همان منطقه ای که به میدان جولان انواع و اقسام درندگان اسلامی تبدیل شده بود، صحنه

صفحه ۱۱

کشمکش تاکنون نافرجام و نبرد قدرت بعد از پایان جنگ سرد ایفا میکند!

نبرد قدرت چه نیروهائی و با چه هدفی؟

به خاطر بیاورید که طراحان نظامی و سیاسی متعلق به کمپ نئوکونسرواتیوهای دوره بوش، بلافاصله بعد از فروپاشی بلوک شرق، در سندی به نام "استراتژی دفاعی برای دهه نود" روی "مناطق طوفانی" در جهان سوم تمرکز کردند. این شروع طراحی دشمن جدیدی بود که لازم بود جایگزین ابرقدرت شوروی سابق شود. در همان سند علنا اعلام شد که حفظ بالانس جهانی در موقعیت جدید مستلزم یک استراتژی نظامی و یک میلیتاریسم قدرتمند است که بتواند با "سرعت برق و اثری ویران کننده" بالانس قدرت جدید جهانی را شکل دهد و تثبیت کند. در این بالانس جهانی، آمریکا باید میتوانست به ضرب آتش نابود کننده میلیتاریستی اش نقش رهبری جهان بعد از پایان جنگ سرد را برای خود تامین کند.

تا کنون بشریت به خاطر تامین این بالانس جدید جهانی تلفات زیادی متحمل شده است و همچنان تلفات میدهد. جنگ اول خلیج به بهانه تهاجم صدام به کویت اولین پرده این نمایش خونین بود. پرده های بعدی اش در افغانستان و عراق بازی شد. خمینی و جمهوری اسلامی و ملا عمر و طالبان و بن لادن و القاعده که همه محصولات چرکین کارخانه خود آمریکا و غرب در دوره جنگ سرد بودند نقش "شیطان جدید" در این تئاتر خونین را بازی کردند. در ۱۱

روانی مناسبی برای حمله به جریان تروریستی اسلامی دیگر فراهم کرده است که اخوی ایدئولوژیک - نه الزاما سیاسی - داعش است.

اما فراتر از این دلایل بلافاصله و در یک سطح پایه ای تر و از نقطه نظر زمینه ها و اهداف سیاسی اش، تهاجم نظامی اسرائیل به غزه ادامه هجوم وحشیان اسلامی داعش در غرب عراق است. شاید این در نگاه اول غریب به نظر بیاید. اما خبری در روزنامه ها آرتس در این مورد قابل توجه است. ها آرتس خبر داده است که "علیرغم حمله به غزه، چه خوب که داعش اسرائیل را تهدید نمیکنند!" داعش این همسوئی سیاسی با اسرائیل را اینگونه توجیه کرده است: "خداوند در قران به ما دستور نداده است پیش از جنگ با مرتد ها و منافقان با اسرائیل و یهودیان بجنگیم."! این صرفا یک توضیح ایدئولوژیک - مذهبی برای توجیه آن همسوئی سیاسی پایه ای است که این دو توحش را به هم نزدیک میکند.

مساله این است که همه آن نیروهای "اثری" غرب و شرق که مخصوصا بعد از ۱۱ سپتامبر به سیمای جهان خون و لجن و کثافت می پاشیدند، امروز در خاورمیانه صف آزایی کرده اند تا جایگاه خود در توازن قوای جهانی را تثبیت کنند. مهم نیست چه تعداد آواره میشوند و چه تعداد به خون کشیده میشوند؛ مهم این است که این نیروها از این نبرد قدرت پیروز بیرون بیایند!

اسرائیل به مثابه یک نیروی مهم متعلق به کمپ میلیتاریسم آمریکا و غرب در منطقه، با قتل عام در غزه دارد سهم خود را در

حماس نیاز دارد همچنانکه تروریسم اسلامی حماس به تروریسم دولتی اسرائیل محتاج است. اینها در عین کوبیدن همدیگر زیر بال همدیگر را گرفته اند و میگیرند که همچنان سر پا بمانند!

حاکمان اسرائیل به خوبی میدانند که با کشتار بیرحمانه مردم غزه، فقط و فقط زمین را برای حماس شخم میزنند. حتما آن کودک فلسطینی را مشاهده کردید که با سر و بدن خونین و چشمان گریان و اندوهگین خطاب به خبرنگاران گفت: من دیگر آینده و امید در زندگی ندارم، میروم جنگجو میشوم!

در نقطه مقابل، حماس هم خوب میدانند که هر چقدر راکت و موشک بیشتری به کوچه و خیابان اسرائیل پرتاب کند و اگر بتواند بیشتر بکشد همانقدر راست نژاد پرست مذهبی در اسرائیل بیشتر تقویت میشود. حماس هم به این راست مذهبی به مثابه اکسیژن سیاسی خودش نگاه میکنند! بی دلیل نیست که سطح خوشحالی حامیان حماس در جمهوری اسلامی با تعداد تلفات موشکها بالا و پایین میروند!

هدف سیاسی کشتار در غزه!

انتخاب زمان این تهاجم حتما دلایل بلافاصله تاکتیکی دارد. از جمله نزدیکی اخیر حماس و الفتح برای تشکیل دولت ائتلافی. اسرائیل، دقیقا به خاطر نیازش به حماس همچون یک سازمان تروریستی حتما که علاقه ای به تحلیل رفتن حماس در ساختار دولت ائتلافی در کنار الفتح ندارد! بعلاوه، توحشی که خلیفه خودگمارده داعش در عراق راه انداخته است، شاید زمینه

نوار غزه بزرگترین زندان سرباز جهان نامیده شده است که در آن ۱،۸ میلیون زندانی محبوسند! در هر کیلومتر مربع این زندان، قریب ۵۰۰۰ زندانی اسیرند. زندانبان، دولت نژاد پرست اسرائیل است. زندانبانی خشن و بیرحم که نه تنها به هیچ قانون شناخته شده بین المللی در باره اسرا پای بند نیست بلکه به اقتضای نیازهای سیاسی وقت میتواند و ظاهرا محق است این اسرا را از هوا و دریا و زمین لت و پار کند!

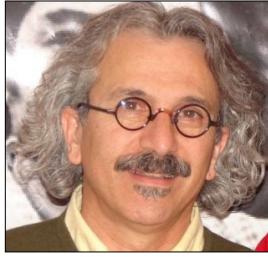
۱۵ روز پیش این زندان مجددا مورد تهاجم نظامی خونین قرار گرفت. بهانه؟ قتل سه شهروند اسرائیلی در کرانه باختری رود اردن. و بهانه ای ظاهرا مشروعتر: نابودی تونلهای زیر زمینی و سکوهای پرتاب راکت مورد استفاده حماس برای کشتار شهروندان اسرائیل.

یک نیاز متقابل سیاسی!

قتل سه شهروند اسرائیل فقط و فقط یک بهانه بود که دولت اسرائیل در هوا قاپید! در یک سطح پایه ای تر حتی نابودی تونلها و سکوها هم هدف اصلی اسرائیل برای راه انداختن حمام خون در غزه نیست. دولت اسرائیل هرگز نخواسته حضور فیزیکی و سیاسی حماس در فلسطین پایان یابد. مشهور است که افسران اسرائیلی میگفتند اگر حماس وجود نداشت باید بوجودش می آوردیم! دولت اسرائیل به حماس که خود یک سازمان اسلامی تروریست است به مثابه اکسیژن سیاسی برای تداوم حکومت نژاد پرستانه اش نگاه میکنند. تروریسم دولتی اسرائیل به تروریسم اسلامی

چشم انداز مذاکرات هسته ای رژیم اسلامی و کشورهای ۵+۱

علی جوادی



اسلامی را شدیداً شکننده و مخاطره آمیز ارزیابی میکند.

آیا توافقی در راه است؟

آیا رژیم اسلامی قادر خواهد شد به توافق مورد نظر آمریکا و غرب دست یابد یا تن دهد؟ آیا طرفین این تخاصم میتوانند به نقطه سازش و توافقی همه جانبه دست یابند؟ احتمال نرمالیزه شدن روابط رژیم اسلامی و آمریکا چگونه است؟

واقعیت این است که بعید است که ما شاهد "نرمالیزه شدن روابط و مناسبات رژیم اسلامی و آمریکا و کلا دول غربی باشیم. نرمالیزه و متعارف شدن به این اعتبار که رژیم اسلامی بتواند به مشابه حلقه و بخشی از نظام سرمایه داری جهانی به انباشت سرمایه مشغول شود، یا اینکه به عنوان نظام مطلوب و یا مورد نظر غرب در ایران حکومت کند، یک احتمال بسیار ضعیف اگر نه غیر ممکن است. رژیم اسلامی قادر نخواهد بود به عنوان نظام مطلوب سرمایه داری ایران حکومت کند. چنین چرخشی نه برای رژیم اسلامی ممکن است و نه برای غرب مطلوب و نه مردم امکان چنین تغییر و تحولی را بدون تلاشی همه جانبه برای سرنگونی رژیم اسلامی خواهند داد. این احتمال که رژیم اسلامی بتواند به یک رژیم سرمایه داری متعارف که حوزه صدور سرمایه و تکنولوژی و مهارت فنی باشد و به این اعتبار به بازار جهانی غرب دسترسی کافی و لازم را داشته باشد، نزدیک به صفر است. چنین تغییری علاوه بر فاکتورهای ذکر شده، به دلیل فاکتورهایی که حتی خارج از اراده رژیم اسلامی هستند، عملاً ممکن نیست. فاکتور ایدئولوژی حکومت اسلامی، نقش و اهداف جنبش اسلامی، مسائل تاریخی و حل نشده موجود در خاورمیانه تماماً عواملی هستند که امکان چنین

قهرمانانه که توسط راس رژیم اسلامی اعلام شد، یک چرخش سیاسی، یک تغییر ریل آشکار از سیاست تاکنونی رژیم اسلامی بود. تردیدی نیست که رژیم اسلامی در پس این تغییر تاکتیک به دنبال دست یافتن به نوعی "توافق"، نوعی "تنش زدایی"، نوعی "سازش" با غرب است. اما چرا؟

واقعیت این است که رژیم اسلامی از دو طرف مورد "خطر" قرار دارد. از یک طرف با مردمی مواجه است که در کمین رژیم اسلامی نشسته اند، حکم به سرنگونی اش داده اند، میخواهند سر به تنش نباشد، و خواهان نابودی تمامی بنیادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اخلاقی این رژیم هستند. از طرف دیگر کشمکشهای بین المللی، بخصوص تقابل قطب تروریسم دولتی آمریکا و ناتو و اسرائیل با اسلام سیاسی، و رژیم اسلامی بمشابه ستون فقرات این جنبش ارتجاعی، به درجه و شدتی رسیده بود که اگر این کشمکشها ادامه پیدا میکرد، خطر و تهدیدات جنگی میتوانست به یک واقعیت تبدیل شود. بعلاوه تحریمهای اقتصادی، که در خود یک سیاست ضد انسانی است، در عین حال فشار زیادی بر توان مالی حکومت اسلامی ایجاد کرده بود. در چنین شرایطی است که ما شاهد شکل گیری سیاست "نرمش قهرمانانه" رژیم اسلامی هستیم.

در آن زمان، لاریجانی، رئیس مجلس رژیم اسلامی اعلام کرد که این یک تغییر استراتژیک نیست. واقعیت این است که استراتژی حکومت حفظ نظام به هر بهاء و تحت هر شرایطی است. اما معضل چگونگی بقای رژیم اسلامی در این شرایط عامل اصلی اتخاذ این سیاست و چرخش سیاسی است. خامنه ای ناچار شد که جام زهری را سر بکشد چرا که موقعیت رژیم

دور ششم مذاکرات فشرده حکومت اسلامی و کشورهای ۱+۵ بدون دستیابی به توافقی همه جانبه در ۲۰ ژوئیه در اطریش به پایان رسید. اما طرفین توافق کردند تا ۴ ماه دیگر به مذاکرات ادامه دهند. آژانس بین المللی اتمی اعلام کرد که ایران بخشی از ذخایر اورانیم غنی شده ۲۰ درصدی خود را بر مبنای توافقنامه شش ماهه از بین برده است. در مقابل اروپا نیز اعلام کرد که ۴۰۲ میلیارد دلار از ذخایر ارزی ایران آزاد خواهد شد. هر دو طرف نیز اعلام کردند که امکان دستیابی به توافقی همه جانبه موجود است، اما شکافها نیز اساسی و مهم اند.

در این یادداشت نگاهی به چشم انداز این مذاکرات، نتایج احتمالی و پی آمدهای سیاسی آن میپردازیم. از سیاست "نرمش قهرمانانه" خامنه ای آغاز میکنیم. چرا خامنه ای در پی یک چرخش سیاسی سیاست "نرمش قهرمانانه" را در قبال آمریکا و غرب در دستور رژیم اسلامی قرار داد؟ این سیاست در چه شرایطی اتخاذ شد؟ معنای زمینی این سیاست چیست؟ این سیاست چه تفاوتی با سیاستهای تاکنونی رژیم اسلامی در قبال آمریکا و غرب دارد؟

سیاست عمومی رژیم اسلامی تاکنون بر مبنای تقابل آشکار و خصومت آمیز کور با آمریکا و متحدین اش، اسرائیل و سایر قدرتهای غربی، قرار داشته است. تلاش برای دامن زدن به کانونهای بحرانی در منطقه، مداخله فعال در کانونهای بحرانی و تلاش برای برهم زدن توازن قوا و صف بندیهای موجود در خاور میانه به نفع رژیم اسلامی در محور سیاستهای منطقه ای رژیم اسلامی قرار داشت. این سیاست بطور سیستماتیک در دوران احمدی نژاد دنبال و پیگیری شد. سیاست اخیر، یعنی "نرمش

یکی از پی آمدهای حیاتی و تعیین کننده چرخش سیاسی و تغییر سیاست تاکتیکی رژیم در قبال آمریکا و غرب مساله موقعیت رژیم اسلامی در جنبش اسلام سیاسی است. ضدیت با غرب، ضدیت با تمدن و فرهنگ غرب، ضدیت کور با معیارهای فرهنگی و اجتماعی و حقوق مدنی در غرب یک رکن اصلی سنگ بنای حاکمیت اسلامی است. و به هر درجه که چرخشی در این سیاست هویتی رژیم اسلامی صورت بگیرد، به همان درجه نیز پایه های سیاسی - ایدئولوژیک رژیم بمشابه یک جنبش ارتجاعی و اسلامی ضربه خورده و دچار صدمات جدی خواهد شد. و به همان درجه نیز موقعیت رژیم اسلامی در صفوف جنبش اسلام سیاسی و کلا در صفوف نیروهای متعدد اسلامی در سطح منطقه تضعیف خواهد شد.

کلی جنبش اسلام سیاسی در پس این تغییر ریل، حاشیه ای تر و تضعیف تر شده است. و بر خلاف تصورات کودخانه رژیم اسلامی، هر گونه تغییر سیاست و چرخشی نه تنها منجر به تداوم عمر سیاه حکومت اسلامی نخواهد شد، بلکه این شرایط عملاً بمشابه چراغ سبزی برای مردم در کمین رژیم نشسته عمل خواهد کرد، که زمان حمله و پایان دادن به کار رژیم نزدیکتر و مناسبتر شده است. و این پارادکس و تناقضی است که رژیم اسلامی خلاصی ای از آن ندارد. از یک طرف تاکید بر سیاست گذشته و تشدید تخصصات بین المللی عملاً رژیم را در موقعیت فلج و جنگ احتمالی قرار خواهد داد. و از طرف دیگر هر نوع سازش و توافقی موقعیت این رژیم را در کل جنبش اسلامی و در قبال مردم دچار ضعف خواهد کرد.

واقعیت این است که رژیم راه پس و پیش ندارد. در هر طرف با "مخاطرات" عیدیه ای روبرو است. درمانی ندارد. ما از این شرایط باید برای پیشبرد امر سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و پیشروی اردوی آزادی، برابری و حکومت کارگری بیشترین بهره برداری و سازماندهی را بکنیم.*

پی آمدهای سیاست "نرمش قهرمانانه"

همانطور که اشاره شد یک رکن هویتی رژیم اسلامی، ضدیت کور با غرب و آمریکا است. حال سؤال این است که چرخش کنونی رژیم اسلامی چه تأثیراتی بر کل موقعیت رژیم اسلامی خواهد داشت؟ تأثیرات منطقه ای این چرخش سیاسی کدام است؟ موقعیت رژیم اسلامی در قبال سایر گرایشات درونی جنبش اسلام سیاسی دستخوش چه تغییراتی خواهد شد؟

جنبشی سراسری علیه شهریه مدارس

شهلا دانشفر



حول این خواست نیرو گرد آورد. میتوان خواهشهای خود بر سر این موضوع از جمله تحصیل رایگان برای همه، ممنوعیت هر نوع شهریه و اخذی از والدین، یک وعده غذای گرم و رایگان برای کودکان در مدارس، کمک هزینه پائینی دارند، بازسازی فوری مدارس و امن کردن و مجهز کردن آنها به تجهیزات لازم آموزشی، برخورداری کودکان از امکانات بهداشتی و درمان رایگان، جدائی مذهب از آموزش و پرورش و کوتاه شدن دست حوزه های علمیه و گله های آخوند از مدارس، و بالاخره آموزش و پرورش شاد، سکولار، مدرن و انسانی از جمله خواهشهای ما در این قطعنامه ها میتواند باشد. در هر محل و شهر میتوان حول این خواستها طومار جمع کرد و این خواستها را به خواهشهای مبارزاتی کل جامعه تبدیل کرد. بدین ترتیب با جنبشی سراسری در دفاع از کودکانمان و با خواست آموزش رایگان در همه سطوح حق مسلم همگان است، به استقبال اول مهر آغاز سال تحصیلی جدید برویم.*

همراه فرزندانمان در مقابل مدارس جمع خواهند شد و کاری خواهند کرد که همه کودکان بدون شهریه و رایگان بتوانند تحصیل کنند.

بعلاوه از هم اکنون میتوان گفتمانی را بر سر تحصیل رایگان برای همه کودکان و در تمام سطوح تحصیلی به راه انداخت. خواست تحصیل رایگان برای همه، بندی از قطعنامه های اعتراض معلمان در سال ۸۵، بندی از قطعنامه های اول ماه مه ها در سالهای مختلف و بندی از بیانیه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان در سال گذشته بود. این خواست را به خواهشی سراسری در تمام اعتراضات کارگری و کل جامعه تبدیل کنیم.

بر سر تحصیل رایگان در تمام سطوح آموزشی و جنبش نپرداختن شهریه میتوان صفحات فیس بوک ویژه درست کرد و

آغاز سال تحصیلی جدید باشد. میتواند موضوع جنبشی بر سر تحصیل رایگان در تمام سطوح تحصیلی برای همگان باشد. وسیعا به این حرکت اعتراضی بپیوندیم و این پیامک را با بلوتوث و اس ام اس همه جا پخش کنیم.

با این گفتمان ها در هر محله خانواده ها میتوانند متحد شوند و تصمیم بگیرند که به اخذی های مدارس تحت عنوان شهریه و غیره جواب ندهند. میتوانند از هم اکنون قرار مدارهایشان را بگذارند و همانطور که در پیامک هائی که در سطح تهران پخش شده، اعلام کنند که زیر بار پرداخت شهریه و اخذی های دیگر برای ورود کودکانمان به مدرسه نمیروند. اخطار کنند که اگر مانعی بر سر ورود فرزندانمان به مدرسه قرار داده شود، روز اول مهر در تمام محلات همه مادران و پدران به

پردازیم. اگر کودکانمان را ثبت نام نکنید اول مهر جلوی مدارس جمع خواهیم شد. جای کودکان ما در مدرسه است."

پخش چنین پیامک هائی فضای اعتراضی جامعه در آستانه سال تحصیلی جدید را نشان میدهد. از جمله زیر فشار چنین جنبشی خبردار شدیم که اعلام شده است که خانواده هائی که امکان پرداخت شهریه ندارند، مراجعه کنند تا ظرف یک هفته درخواست و مشکل آنها مورد بررسی قرار گیرد.

در برابر معضل هزینه های سنگین تحصیل کودکان و اخذی های مدارس تحت عنوان شهریه، راه حل فردی نیست. باید با جنبشی سراسری و متحد در برابر این مشکلات قد علم کنیم و کودکانمان را راهی مدرسه کنیم. پرداخت شهریه نه تنها معضل خانواده ها برای دانش آموزان در مدارس، بلکه معضل دانشجویان نیز هست. این موضوع هم اکنون به یک موضوع اعتراض در دانشگاهها نیز تبدیل شده است. حتی میزان شهریه در دانشگاهها افزایش نیز پیدا کرده است. از جمله در ۲۵ تیر جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد قم در اعتراض به افزایش شهریه ثابت در ترم تابستان، در مقابل گرداننده بخش امور مالی این دانشگاه تجمع کردند. بنابر خبر، شهریه ثابت ترم تابستانی سال گذشته این دانشگاه در سال گذشته ۱۲۰ هزار تومان بود و امسال به ۱۸۰ هزار تومان افزایش یافته است.

در هر حال پیامک هائی که هم اکنون در میان مردم بر سر حق تحصیل کودکان در حرکت است، و نمونه ای که به آن اشاره کردم، میتواند موضوع کارزاری در دفاع از حقوق کودکانمان و برای فرستادن آنها به مدرسه در

سال جدید تحصیلی نزدیک میشود و بحث بر سر شهریه مدارس داغ است. تعیین شهریه های ۲۰۰ هزار تومان برای مدارس در تهران و ۱۵۰ هزار تومان برای مدارس در شهرستانها هزینه سنگینی بر دوش خانواده هاست.

به این معنی که شهریه مدارس و دانشگاهها، همراه با تامین وسایل اولیه تحصیلی برای کودکان چون کتاب و نوشت افزار و لباس و غیره، شروع سال تحصیلی جدید را به کابوسی برای مردم تبدیل کرده است. خصوصا اینکه شهریه مدارس و دانشگاهها، در کنار گرانی هر روزه قیمت ها، در کنار دستمزدهای چند بار زیر خط فقر ۶۰۸ هزار تومانی، در کنار پرداخت نکردن دستمزد بخش عظیمی از کارگران و حقوق بگیران جامعه و بالاخره در کنار بیکاری چندین میلیونی در جامعه به معضلی جدی برای کل جامعه تبدیل شده است. این وضعیت کودکان بسیاری را در خطر محرومیت از تحصیل قرار داده است.

با جنبشی سراسری بر سر نپرداختن شهریه مدارس و با خواست تحصیل رایگان برای همه میتوان با این خطر مقابله کرد. بطور واقعی نیز زمزمه های اعتراضی بسیاری بر سر این موضوع در میان مردم هست. اخبار رسیده حکایت از آن دارد که هم اکنون بخش های مختلفی از مردم از جمله معلمان، دانشجویان، دانش آموزان و خانواده هایشان بصورت ارسال پیامک های اعتراضی از اعتراض در مقابل اخذی مدارس و گرفتن شهریه از دانش آموزان سخن میگویند. از جمله در پیامکی که بدست ما رسیده چنین آمده است: "شهریه نمی

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

"خلافت اسلامی" در عراق و "ولایت فقیه" در ایران

روزنامه آمریکائی وال استریت ژورنال در گزارشی با عنوان "نوری مالکی حمایت ایران را از دست میدهد" از قول یک مقام بلندپایه عراقی نوشته است: "تهران به طور جدی در حال کاهش حمایت خود از نوری مالکی به عنوان نامزد پست نخست وزیری عراق است".

این گزارش تنها بیانگر موقعیت ضعیف و رو به سقوط مالکی نیست بلکه تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی را نیز نشان میدهد. دولت مالکی برای جمهوری اسلامی یک اهرم اعمال قدرت و کسب نفوذ در عراق و به این اعتبار در منطقه بود و اکنون با گسترش نفوذ رقبای منطقه ای جمهوری اسلامی نظیر عربستان و ترکیه در عراق و حتی نومییدی آمریکا از دولت مالکی که خودش در عراق سر هم بندی کرده بود این اهرم از دست رژیم اسلامی خارج میشود.

اما مشکل جمهوری اسلامی در منطقه از موقعیت نیروهای شیعه و دولت مالکی فراتر می‌رود.

رو در روئی نیروهای اسلامی شیعه و سنی در عراق و در منطقه دست جمهوری اسلامی و ضدآمریکائی گری اش را هر چه بیشتر رو میکنند و موقعیت آن بعنوان یک قطب اسلام سیاسی را بیش از پیش بزیر سؤال میبرد.

یک بازنده شرایط حاضر در منطقه، با و یا بدون دولت مالکی، جمهوری اسلامی است. داعش پوشش ضد آمریکائی گری جمهوری اسلامی را به کنار میزند و ماهیت ارتجاعی آنرا صریح و عریان در برابر همگان قرار میدهد. داعش در استراتژی و هدف و نوع حکومتی که اعلام کرده است نقطه مقابل جمهوری اسلامی نیست، هم سنخ و هم جنس آنست. "خلافت اسلامی" نوع داعش با تمام توحش و تحجرش آئینه تمام نمای ولایت فقیه نوع جمهوری اسلامی است!*

جنایت "احتمالی" دولت اسرائیل!

بنا به گزارش خبرگزاری ها "در نتیجه ۱۶ روز حمله اسرائیل به نوار غزه، بیش از ۶۵۰ فلسطینی کشته شده اند که اکثر آن ها غیر نظامی و بیش از ۱۰۰ تن از قربانیان کودک هستند". از سوی دیگر ناوی پیلائی مسئول کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است "احتمالا اسرائیل در غزه مرتکب جنایات جنگی میشود!"

احتمالا؟! برآستی که قاطع تر و صریح تر از این نمیتوان کشتار بیش از ۶۵۰ نفر شهروند فلسطینی که تنها جرمشان آوارگی و در بدری و بی سرزمینی است را محکوم کرد! حمایت آمریکا و دولت‌های غربی و برخورد مسامحه گرانه نهادهای بین المللی و حقوق بشری به جنایات دولت فاشیستی اسرائیل متأسفانه امر تازه ای نیست. بر علیه این جنایات باید مردم آزادیخواه بمیدان بیابند و دولت اسرائیل و حامیان بین المللی آنرا تحت فشار قرار بدهند. این جنگ و کشتار باید فوراً قطع بشود و عاملین آن تحت پیگرد قرار بگیرند. وظیفه احزاب کمونیست

گر رسم شود که مست گیرند!...

دزدی و رانتخواری و و ویژه خواریهائی که تنها از بخش کوچکی از آنها در کشمکش بین جناحها پرده برداری شده است دست همه جناحها در کار است. دولت "تدبیر و امید" با انکار این دزدیها امتیازی به دولت دوره احمدی نژاد و یا جناح مقابل نمیدهد، ازمنافع مستقیم خود دفاع میکند! گر رسم شود که مست گیرند، در شهر هر آنکه هست گیرند!*

"در پرونده ۶۵۰ میلیون یورویی جرمی واقع نشده!"
- سخنگوی دولت روحانی

"به رانت خواران ۶۵۰ میلیون یورویی فقط تذکر داده ایم!"
- دیوان محاسبات رژیم

این هم از مجاهدتهای دولت "تدبیر و امید" برای سرو سامان دادن به بحران و وضعیت فلاکتبار اقتصادی!

پای دزدی و چپاول ثروت جامعه که بمیان میاید حتی همان تفاوت‌های لفظی بین جناحهای حکومتی از میان برمیخیزد. در

جنگ غزه

ادامه چه سیاستی است؟

از مذاکرات صلح و نپذیرفتن دولت مستقل فلسطینی به بهانه های مختلف، و بالاخره اصرار بر برسمیت شناخته شدن اسرائیل بعنوان "دولت یهودی" از جانب نیروی الفتح که هم اکنون اسرائیل را بعنوان یک کشور و دولت برسمیت شناخته است، همه این سیاستها زندگی هر روزه را به مردم فلسطین سیاه و نا امن کرده است. در اجرای این سیاستها، حماس نیز مانند جمهوری اسلامی عملاً در خدمت دولت فاشیستی اسرائیل قرار میگیرد. حماس نیز مانند جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل با طرح دو دولت مخالف است. دو قطب تروریستی اسرائیل و حماس - حزب الله - جمهوری اسلامی مکمل و توجیه گر سیاستهای ضد انسانی یکدیگر هستند. دولت فاشیستی اسرائیل با دشمنانی نظیر حماس و جمهوری اسلامی به دوست نیازی ندارد!*

سازمان ملل اخیراً با اشاره به هجوم نظامی اسرائیل به نوار غزه اعلام کرده است "جای امنی برای غیر نظامیان در غزه باقی نمانده است".

این اظهار نظر البته به کشتار و خانه خرابی و آوارگی مردم غزه در اثر هجوم هوایی و زمینی اسرائیل اشاره دارد، اما حتی در شرایط غیر جنگی نیز نوار غزه جای امنی برای فلسطینیان نیست. گفته معروفی است که جنگ ادامه سیاست به طرق دیگر است. جنگ بین حماس و اسرائیل و هجوم به غزه هم که به یک فاجعه تکراری تبدیل شده است نیز تنها ادامه سیاست "انکار حق اسکان و زندگی مردم فلسطین" به شیوه های دیگر است. استقرار مناطق یهودی نشین در نوار غزه بوسیله دولت اسرائیل که علیرغم توافقات قبلی و قطعنامه های سازمان ملل صورت میگیرد، تحت فشار قرار دادن مردم غزه از نظر اقتصادی و ارتباط با جهان خارج، طفره رفتن

نظیر حزب ما اینست که با تمام قوا برای شکل دهی به این اعتراض جهانی فعالیت کنند و بویژه تلاش کنند که نیروهای اسلامی نظیر حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی از این شرایط به نفع خود بهره برداری نکنند. ما همیشه اعلام کرده ایم که نیروهای اسلامی که از درد و رنج مردم فلسطین سرمایه سیاسی ساخته اند نه دوست و نماینده مردم بلکه جزئی از صورت مساله مردم فلسطین محسوب میشوند. راه حل در دست مردم سکولار و شریف و آزادیخواه دنیا است. در شرایطی نظیر امروز که توجه جهانیان به مساله فلسطین جلب شده است باید این پیام را بمیان مردم برد و صف مردم متمدن دنیا را در برابر جنایات دولت اسرائیل و علیه سوء استفاده جوئی نیروهای ارتجاعی اسلامی از این مساله نمایندگی کرد و بمیدان آورد.*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

5836575 Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

Dixie Rd, Mississauga 4900

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر

کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

NWBK GB 2L BIC:

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس

بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

**۶۰۷۳۰ دلار جمع آوری شده و حداقل
۳۹۲۷۰ دلار دیگر لازم است****هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست!**

تا حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی را تا آخر ماه ژوئیه تهیه کنیم. ۶۰۷۳۰ دلار در طول هفته های گذشته جمع آوری شده و امیدواریم به همت شما حداقل ۳۹۲۷۰ دلار دیگر نیز در طول روزهای باقیمانده از کمپین تامین شود.

ضمن قدردانی عمیق از دوستانی که تاکنون کمک کرده اند، کلیه دستداران حزب و کانال جدید و همه مردم شریف و آزادیخواه را به پیوستن به این کمپین فرامیخوانیم.

کمک های این هفته: توفیق صالح ۳۰ یورو از طرف محمد و عبدالله فتحي ۵۰ دلار صالح از فنلاند ۳۰ یورو دستداران حزب در سوئد ۱۰۰۰۰ کرون دوست سیما ۵۰۰ کرون آذر مهر ۵۰۰ کرون جمع ۶۲۸۰ دلار

تا حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی را تا آخر ماه ژوئیه تهیه کنیم. ۶۰۷۳۰ دلار در طول هفته های گذشته جمع آوری شده و امیدواریم به همت شما حداقل ۳۹۲۷۰ دلار دیگر نیز در طول روزهای باقیمانده از کمپین تامین شود.

ضمن قدردانی عمیق از دوستانی که تاکنون کمک کرده اند، کلیه دستداران حزب و کانال جدید و همه مردم شریف و آزادیخواه را به پیوستن به این کمپین فرامیخوانیم.

کمک های این هفته: توفیق صالح ۳۰ یورو از طرف محمد و عبدالله فتحي ۵۰ دلار صالح از فنلاند ۳۰ یورو دستداران حزب در سوئد ۱۰۰۰۰ کرون دوست سیما ۵۰۰ کرون آذر مهر ۵۰۰ کرون

حزب کمونیست کارگری حزب شما است. حزب آمل و آرزوهای انسانی میلیونها نفر، حزب پرچمدار مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و معترضین به اعدام و جنایات حکومت اسلامی است. کانال جدید صدای اعتراض میلیونها زن به حجاب اسلامی، صدای اعتراض میلیونها کارگر به بی حقوقی همه آحاد جامعه در ایران و صدای جوانان معترضی است که شادی و رفاه و آزادی را حق خود میدانند.

برای ادامه کاری کانال جدید و به منظور گسترش فعالیتهای حزب و کانال جدید، به کمک تک تک شما نیازمندیم. هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست. همه شما کسانی که ما را مورد تشویق قرار داده و قلبتان از دیدن پیشرویهای این حزب و این کانال به طپش در می آید، کمک کنید

به کمک مالی شما نیاز داریم!**کمپین دوماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار**

مبارزه برای کنار زدن بختک جمهوری اسلامی و صرف تلاش برای سازمان یافتن مردم برای رهایی از این جهنم میشود. بعنوان فعال این کمپین قدم به میدان بگذارید و از همه دوستان و آشنایان و از همه انسانهای شریف بخواهید که به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک مالی کنند. امیدواریم با مشارکت فعال شما حداقل صد هزار دلار در دو ماه آینده جمع آوری کنیم و فعالیت هایمان را گسترش دهیم. کمک های خود را میتوانید از طریق از طریق حسابهای بانکی زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان کمک ها بطور علنی اعلام خواهد گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مه ۲۰۱۴، ۸ خرداد ۱۳۹۳

مبارزه برای کنار زدن بختک جمهوری اسلامی و صرف تلاش برای سازمان یافتن مردم برای رهایی از این جهنم میشود. بعنوان فعال این کمپین قدم به میدان بگذارید و از همه دوستان و آشنایان و از همه انسانهای شریف بخواهید که به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک مالی کنند. امیدواریم با مشارکت فعال شما حداقل صد هزار دلار در دو ماه آینده جمع آوری کنیم و فعالیت های خود را گسترش دهیم. کمک های خود را میتوانید از طریق از طریق حسابهای بانکی زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان کمک ها بطور علنی اعلام خواهد گردید.

هر يك دلار کمک مالی شما
صرف مبارزه برای نجات انسانها،

به منظور تامین هزینه های کانال جدید و گسترش فعالیت های حزب کمونیست کارگری کمپینی دو ماهه از اول ماه جون تا آخر جولای اعلام میکنیم و از همه دستداران حزب و کانال جدید و کلیه آزادیخواهان و مخالفان جمهوری اسلامی تقاضا میکنیم در این کمپین ما را یاری بدهند.

نقش حزب کمونیست کارگری و کانال جدید برای میلیون ها نفر از مردم شناخته شده است. در عرصه های مختلف مبارزه و هر جا ظلم و سرکوبی هست حزب کمونیست کارگری هم فعالانه حضور دارد و در صف اول مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه بیحقوقی ها و محرومیت های مردم ایستاده است. مردم ایران به حزب کمونیست کارگری نیاز

بازنشستگان ذوب آهن اصفهان باز هم دست به تجمع اعتراضی زدند!

فراخوان به ۱۲۵۰۰۰ بازنشسته صنایع فولاد و راه آهن

دست رفته خود را بدست آوریم. این جز در سایه اتحاد و همبستگی و تشکل کارگری امکان پذیر نبوده است. باشد در آینده بتوانیم با همت بلند و اتحاد شما رنجبران و زحمتکشان به سایر خواسته‌هایمان که به شرح زیر است برسیم:

- ۱- پرداخت حقوقهای ماهانه و طلبهای معوقه در سرمورد
- ۲- خدمات بهداشت و درمان رایگان برای همه اقشار، بخصوص در ایام کھولت و پیری حق مسلم ما است.
- ۳- تحصیل رایگان در همه سطوح از جمله در سطح دانشگاه
- ۴- افزایش فوری دستمزدها و افزایش حقوق سالیانه بالاتر از نرخ تورم سال
- ۴- از همه بازنشستگان ذوب آهن میخواهیم که هفته‌ای دو روز از ساعت ۹ تا ۱۲ در محل دفتر بازنشستگی تجمع کنند تا پیگیر خواسته‌هایشان باشند و از تصمیم گیری های مسئولین مطلع گردند.
- در پایان از همبستگی مردم شهر اصفهان و همه رسانه هایی که صدای ما را منعکس کردند، سپاسگزاریم.

بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان
بیست و پنجم مهرماه ۱۳۹۱

را مسئول پرداخت می داند .
بازنشستگان فولاد و راه آهن، بازنشستگان سراسر کشور
حقوق های شما ناچیز است. بموقع پرداخت نمیشود. برای تامین هزینه درمان و تحصیل فرزندان و سایر نیازهای حیاتی خود در مضیقه اید. اما شما و اعضای خانواده هایتان نیروی قدرتمندی هستید. وقت آن است که در تهران و اصفهان و سایر شهرها تلاش برای متحد شدن و مبارزات سراسری و متحد خود را در دستور بگذارید و با خواست پرداخت فوری کلیه دستمزدها و مزایای خود، افزایش حقوق، طب و تحصیل رایگان و سایر خواست های خود هرچه قدرتمندتر به میدان بیایید. برای این خواست ها طومار امضا کنید، دست به تجمعات همزمان بزنید، در میان بازنشستگان سراسر کشور اطلاع رسانی کنید، رسانه ها و سایر مردم را خبر کنید و به هر شکل ممکن از زندگی خود دفاع کنید.
حزب کمونیست کارگری و تلویزیون کانال جدید در کنار شما هستند. با ما تماس بگیرید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ تیر ۱۳۹۳، ۲۲ جولای ۲۰۱۴

متن بیانیه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

کارگران، زحمتکشان و بازنشستگان صنعت فولاد ایران
خسته نباشید. پیروزی تان مبارک باد
به همت و تلاش بیوقفه شما در طول این چند سال اکنون توانسته ایم بخشی از مطالبات از

طبق گزارشی که به حزب رسیده است، روز ۲۹ تیر تعدادی از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه دستمزد خود در مقابل دفتر کانون بازنشستگی در خیابان نشاط این شهر دست به تجمع زدند. بازنشستگان روز قبل از آن نیز مقابل استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند. مقامات کارخانه به بهانه خالی بودن صندوق بازنشستگی حقوق کارگران را پرداخت نمیکنند. کارگران اولتیماتوم داده اند که اگر دستمزد معوقه آنها را به موقع پرداخت نکنند دست به اعتراضات شدیدتری خواهند زد و از جمله گردنه ذوب آهن را مسدود خواهند کرد. کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان بارها برای دریافت بموقع حقوق خود دست به تجمع و اعتراض زده اند و مدیریت ذوب آهن قبول کرده بود که دوم هر ماه حقوق آنها را پرداخت کند اما کارگران برای نقد کردن حقوق خود هر بار مجبورند دست به اعتراض بزنند تا یک ماه حقوق ناچیزشان پراخت شود.

طبق گزارشات دولتی در حال حاضر ۸۲۰۰۰ بازنشسته ذوب آهن سه ماه حقوق طلب دارند. حزب کمونیست کارگری بازنشستگان ذوب آهن در سراسر کشور و خانواده هایشان را فرامیخواند همراه با همکاران خود در اصفهان متحد و یکپارچه برای پرداخت فوری و سر موعده حقوق ها و همینطور سایر مطالبات برحق خود دست به اعتراض بزنند و با تجمع و جمع آوری طومار و با اطلاع رسانی به رسانه ها و مردم مقابل این اجحافات بایستند. یادآوری میکنیم که بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در تجمعات سالهای گذشته خود طی قطعنامه ای علاوه بر خواست پرداخت بموقع حقوق ها خواهان افزایش فوری دستمزدها و طب و تحصیل رایگان در تمام سطوح تحصیلی شده بودند و در بیانیه ای ۵ ماده ای خواست های خود و کل کارگران را مطرح کردند.

طبق گزارش دیگری مزایای ۴۳۵۰۰ بازنشسته راه آهن نیز چهار ماه است پرداخت نشده است. هر کدام از بازنشستگان يك ميليون و ۶۰۰ هزار تومان طلبکار است. مستمری بازنشستگان سازمان راه آهن از طرف سازمان بازنشستگی کشوری پرداخت می شود. سازمان بازنشستگی کشوری مسئولیت پرداخت مزایا را بر عهده سازمان راه آهن گذاشته و از آن طرف، سازمان راه آهن نیز زیر بار پرداخت مزایا نمی رود و سازمان بازنشستگی کشوری



ما خواهان آزادی فوری ریحانه جباری هستیم! روز شنبه ۲۶ ماه ژوئیه برای آزادی ریحانه، یک تلاش جمعی و بین المللی



خواهند زد. همراه شوید دوستان!

در همه جا با عکس ریحانه و شعار آزادی فوری ریحانه جمع شوید و سخنرانی کنید با رسانه ها تماس بگیرید با دولتها و اعضای پارلمانها حرف بزنید و گزارش این ابتکارات برای ما بفرستید.

زنده باد جنبش علیه اعدام

کمپین نجات ریحانه جباری

۲۴ ژوئیه ۲۰۱۴

جمهوری اسلامی ایران باعث آزادی فوری ریحانه شویم. باید در این رو در رویی با حکومت اعدام، کاری کنیم درهای زندان شهری به اندازه پهنای شانهای ریحانه باز شود و ریحانه از این جهنم آزاد شود.

امروز دیگر میلیونها نفر میدانند که ریحانه قربانی سیستم قضاوت در ایران، قربانی زن ستیزی و عقب ماندگی یک سیستم است. امروز همه میدانند که ریحانه با یک واقعه ناخواسته وارد گردبادی شده که زندگی را کاملاً زیر و رو کرده است. هفت سال از زندگی یک جوان شاداب و فعال با ایده ها و افکار تازه و رو به پیش را در سیاهچالهای یک حکومت به جهنم تبدیل کردند. ریحانه تا سرحد مرگ شکنجه شده و با وجود همه این مصائب او سرشار از انرژی است و به آینده لبخند میزند. ریحانه زنده ماند و از آزادی و انسانیت و حقوق همه هم بندیهای خود دفاع میکند.

در اینجا نبرد سیاهی و تبااهی با روشنایی و آینده را میتوان دید و ریحانه شایسته بیشترین حمایت ها است.

تا کنون از سراسر جهان تعداد زیادی اعلام کرده اند که روز شنبه به اقدامات ابتکاری در رساندن صدای اعتراض خود علیه حکم اعدام ریحانه دست

کمپین نجات ریحانه روز ۲۶ ژوئیه را روز اعتراض جهانی برای آزادی ریحانه اعلام کرده است. تا کنون از سراسر جهان تعدادی از دوستداران ریحانه اعلام کرده اند که به ابتکارات و اقدامات خیابانی برای نجات ریحانه دست میزنند.

این یک اقدام جهانی است و همه شما کسانی که برای نجات ریحانه تلاش کرده اید میتوانید خود را در این حرکت ساده و انسانی و مهم سهیم و شریک کنید.

یک عکس از ریحانه جباری با یک شعار، "ما خواهان آزادی فوری ریحانه هستیم" را در دست گرفته و در شهرها و میادین اصلی شهر محل سکونت خودتان، در مقابل ساختمانهای مهم در شهر خودتان در مقابل رسانه ها و یا پارلمانها جمع شوید و توجه ها را به سرنوشت یک دختر جوان و شجاع و انسان دوست جلب کنید. عکسی از این حرکت بگیرید و برای ما ارسال کنید. این پیام همبستگی هزاران نفر با ریحانه جباری است این حرکات ابتکاری و گسترده و بین المللی میتواند یکبار دیگر توجه ها را به سرنوشت هزاران محکوم به اعدام در ایران جلب کند.

ما میتوانیم از طریق اعمال فشار بیشتر به

لکه ننگ دیگری بر پیکر رژیم انسان کش اسلامی! محکومیت به اعدام یک فعال سیاسی بعد از ده سال زندان

کسی با او حرفی نزند. این معلم زندانی ده سال تمام در سلولی فاقد دریچه، پنجره و تهویه مطبوع بود و همچنین از امکان هواخوری نیز محروم شده بود. هدف بازجویان جنایتکار وزارت اطلاعات از اعمال اینگونه شرایط سخت و شکنجه های روانی، در هم شکستن روحیه او است. ارژنگ فقط اجازه داشت در هفته چند دقیقه با همسر و افراد خانواده اش حرف بزند. اکنون او در رجایی شهر کرج است و دو روز پیش به او گفتند که بعد از ده سال زندان به اعدام محکوم شده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام حکم اعدام فعال سیاسی ارژنگ داوودی را بشدت محکوم کرده و از همگان دعوت میکند بر علیه این حکم ضد انسانی و وحشیانه جمهوری نکبت اسلامی به میدان بیایند. ما باید ارژنگ داوودی را از اعدام نجات داده و خواهان آزادی فوری او شویم.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۴ ژوئیه ۲۰۱۴

<http://notonemoreexecution.org/>

عقیده و اعتراض علیه این حکومت ضد انسانی به اعدام محکوم میشود. به حکم اعدام ارژنگ داوودی باید اعتراض کنیم!

جمهوری اسلامی ایران، او را به مجاهدین خلق نسبت داده ولی هر کس که او را از نزدیک دیده میداند ارژنگ برای یک آینده بدون دخالت مذهب در حکومت مبارزه میکند و حتی مانیفستی که باعث محکومیت او به ده سال زندان شده به اسم مانیفست سکولار است. او خود بعد از شنیدن حکم اعدام به اتهام حمایت و هواداری از مجاهدین خلق گفت، به این سازمان هیچ نزدیکی سیاسی ندارد.

او را بارها شکنجه کرده به سلول انفرادی انداخته و سعی در شکستن روحیه مقاومت و امید او به آینده دارند. با محکوم کردن این معلم ۶۲ ساله به اعدام حکومت داعشیان در ایران میخواهد نشان دهد سببیت و وحشیگری اش حد و مرز ندارد. او سالها در زندان بندر عباس در تبعید بود سالها تنها در یک سلول بسر میبرد و هیچ ارتباطی با زندانیان دیگر نداشت و به مامورین محافظ او گفته بودند



ارژنگ داوودی یک زندانی سیاسی است. او مخالف جمهوری اسلامی ایران است، این حکومت را دون شان مردم ایران می داند، در همه جا از ضرورت اتحاد و مبارزه علیه این حکومت حرف میزند و معتقد است این حکومت قابل اصلاح شدن نیست. او مانیفستی نوشته به نام مانیفست سکولار و اکنون به اتهام توهین به رهبری و توهین به مقدسات در زندان است و بعد از ده سال زندانی کشیدن و در سن ۶۲ سالگی به اعدام محکوم میشود. ارژنگ یک زندانی سیاسی است و فقط به اتهام تفکر و

برگزاری دادگاه زانیار و لقمان مرادی به تعویق افتاد!



روز چهارشنبه این هفته ۲۳ ماه ژوئیه برابر با اول مردادماه قرار بود جلسه دادگاه زانیار و لقمان مرادی برگزار شود. بیکروز قبل ظاهراً به آنها خبر داده بودند و این دو زندانی محکوم به اعدام روز چهارشنبه به محل دادگاه اعزام شدند. ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه زانیار و لقمان به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران منتقل شدند. در آنجا ظاهراً بدلیل نقض مدارک به آنها گفته شده است که دادگاه در اولین فرصت بعد از تکمیل مدارک برگزار میشود.

قاضی عبداللهی مسئول رسیدگی به پرونده ای جنجالی است که با اعتراض بین المللی

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۵ ژوئیه ۲۰۱۴

از صفحه ۴

کشتار در بزرگترین زندان جهان!

عروج انقلابی شد که در صورت پیروزی به طور قطع جغرافیای سیاسی جهان را تماماً زیر و رو میگرداند!

تصادفی نیست که این تحرک از ایران - جایی که در آن برای اولین بار در جهان معاصر جنبش اسلامی را به مقام دولت ارتقا دادند - آغاز شد؛ جایی که پیش از همه مصاف با اسلام سیاسی در حاکمیت را آغاز کرد و جایی که به نظر میرسد افتخار تشییع جنازه توحش اسلامی هم نصیبش خواهد شد!

باز هم تصادفی نیست که در نوار غزه، منطقه تحت کنترل حماس، "مانیفست جوانان غزه برای تغییر وضع موجود" با بیانی شورانگیز همه دار و دسته ها و همه قطبهای غربی و شرقی این دنیای وحشی را با این کلمات مورد خطاب قرار داد:

گند بزند حماس را. گند بزند اسرائیل را. گند بزند الفتح را. گند بزند سازمان ملل را. گند بزند آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی (UNRWA) را. گند بزند آمریکا را! ما جوانان غزه از اسرائیل، حماس، اشغال، تجاوز به حقوق بشر و بی تفاوتی جامعه بین المللی حاکمان به هم می خورد!"

اما آن اتفاقی که در راس جهان متمدن، در راس نیروی سوم درخشان انقلابات تونس و مصر بود. انقلاباتی که در مقابل دموکراسی قومی و مذهبی غرب و در مقابل جنبش اسلامی، شعار "نان، آزادی و کرامت انسانی" سر دادند؛ انقلاباتی که با این شعار به هردو کمپ جهان بعد از جنگ سرد، هر دو کمپی که نان و آزادی و کرامت انسانی

مستلزم بحثی مستقل است اما آینده بشریت در گرو این است که همان نیروهایی که با انقلابات ۲۰۱۱ در منطقه جهان را شکفت زده کردند، همه آن نیروهای آزادیخواه، همه آن نیروهای برابری خواه، همه آن مبارزان راه "نان، آزادی، کرامت انسانی" تا چه حد بتوانند به عنوان یک نیروی سیاسی سوم متشکل شوند و این بار با درس گیری از انقلاباتشان به مصاف بربریت حاکم بروند.*

به چالش کشید!
انقلابات منطقه، علیرغم شورانگیز بودنشان، علیرغم آرمانها و آرزوهای انسانیشان، اگر چه بر روند قهقرای جهانی ترمز گذاشتند اما نتوانستند هر چهار چرخش را از حرکت بازدارند؛ اگر چه توانستند یک گسست سیاسی جدی در این روند رو به عقب بوجود آورند اما نتوانستند به طور کامل آن را از هم بگسلند؛ و بالاخره اگر چه به همه وجوه بربریت حاکم اعلان جنگ کردند اما نتوانستند تماماً پیروز شوند!
بررسی سرنوشت انقلابات

را لگدمال کرده بودند نه گفتند؛ انقلاباتی که به مالیخولیای خامنه ای در رابطه با بیداری اسلامی تف کردند و اعلام کردند از همان جوانانی درس گرفته اند که در سال ۸۸ خامنه ای و حکومت اسلامی را به مصاف کشیده بودند!
و همه شاهد بودیم که چگونه دامنه تحرك سیاسی این نیروی سوم در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا فوراً به خود غرب گسترش پیدا کرد و در قالب جنبش ۹۹ درصدیها و اشغال وال استریت و... حاکمیت اقلیت یک درصدی صاحب سرمایه در خود غرب را



ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه ها منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

۱۱ مرداد ، ۲ اوت، روز جهانی حمایت از رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی سه تن از چهره های شناخته شده کارگری

رضا شهابی با آنان تصمیم بر این شد که او در قبال وثیقه به مرخصی استعلاجی کامل در خانه بدون هیچ گونه محدودیتی از طرف زندان تا مداوای کامل، اعزام شود و پس از اتمام مداوا با تشخیص پزشک به زندان بازگردد. بدین ترتیب رضا شهابی پس از مبارزه ای جانانه بر سر حق و حقوقش، در این روز موقتا به اعتصاب غذای خود خاتمه داد. پزشکان معالج رضا گفته اند که او باید زیر عمل جراحی دیسک کمر قرار گیرد. اما وضعیت جسمانی اش برای این عمل آماده نیست و در صورت انجام عمل جراحی در وضعیت کنونی، خطر مرگ او را تهدید میکند. رضا شهابی در زندانهای رژیم اسلامی چنین وضعیتی پیدا کرده و به مرز فلج شدن رسیده است. جمهوری اسلامی در قبال جان او و وضعیت جسمانی وخیم او مسئول است. رضا شهابی باید فوراً آزاد شود. اینکه امروز مقامات جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراضات رضا شهابی و کارزاری جهانی به قبول بخشی از خواستههای رضا تن داده اند، یک موفقیت برای او و بطور واقعی برای همه زندانیان سیاسی در بند است که محرومیت از درمان بخشی از شکنجه های رژیم اسلامی در قبال جان آنان است. این موفقیتی است که نتیجه پنجاه و یک روز مبارزه رضا شهابی و کارزاری جهانی در حمایت از او و کارگران زندانی در ایران است. کارزاری که یکرسان سنج و سردیگرش در اقصاء نقاط جهان بود. کارزاری که در زندان و در بیرون از زندان جریان داشت و طومارها جمع شد و تشکلهای مختلف کارگری با بیانیه هایشان آنها حمایت و پشتیبانی کردند. این کارزار تا آزادی بدون قید و شرط رضا شهابی باید ادامه یابد.

بعلاوه بهنام ابراهیم زاده یکی دیگر از رهبران کارگری در بند در موقعیت اضطراری قرار دارد. او همچنان در بند ۲۰۹ اوین زیر فشار بازجویی قرار داشته و همراه با وی همسرش و فرزند ۱۵ ساله او نیما که به بیمارستان خطرناک سرطان مبتلاست، زیر فشار و اذیت و آزار قرار دارند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در رابطه با وضعیت کارگران زندانی رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی سه چهره دفاع از آزادیخواهی و انسانیت در زندانهای رژیم اسلامی، کمپینی را به پیش میبرد و در این راستا روز ۱۱ مرداد برابر با ۲ ماه اوت را روز جهانی حمایت از این کارگران و تمامی کارگران زندانی اعلام میکند. خواستههای فوری ما عبارتند از: اجرای کامل خواستههای فوری رضا شهابی و توافقات انجام شده با او، مرخصی بهنام ابراهیم زاده از زندان و اختصاص امکانات درمانی فوری به وی که زیر شکنجه های رژیم اسلامی به بیماریهای بسیاری مبتلا شده است.

رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. بهنام باید کنار فرزند بیمارش باشد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۹ تیر ۱۳۹۳، ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهرام سروش

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



REZA SHAHABI



SHAHROKH ZAMANI



BEHNAM EBRAHIMZADEH

FREE THEM NOW!

CAMPAIGN TO
FREE JAILED WORKERS IN IRAN

رضا شهابی موقتا به اعتصاب غذایش خاتمه داد، او باید فوراً از زندان آزاد شود بنا بر خبر منتشر شده از سوی هیات موسس سندیکای نقاشان استان البرز امروز یکشنبه ۲۹ تیر ماه رضا شهابی از رهبران شناخته شده کارگری و عضو هیات مدیره سندیکای واحد پس از مذاکراتی با خدابخشی معاون زندان در بیمارستان خمینی موقتا به اعتصاب غذای خود خاتمه داد. در این گفتگو توافق بر این شده است که رضا بمدت سه روز موقتا به اعتصاب غذای خود خاتمه دهد و خدابخشی در مدت سه روز مراحل قانونی برای دادن مرخصی استعلاجی کامل را انجام بدهد.

پایان دادن به اعتصاب غذا و ادامه کارزار در حمایت از خواستههای رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی در بند، خواست ما و خواست همبندان و بسیاری از انسانهای آزادیخواهی بود که خطاب به او نامه دادند و از مبارزاتش حمایت کردند و بر کمپینی وسیع در حمایت از او تاکید گذاشتند. خوشحالیم که امروز بخشی از خواستههای رضا شهابی پاسخ گرفته است.

رضا شهابی در ۲۱ تیر ماه بدنبال اعتراضی جانانه علیه فشارهای رژیم اسلامی در زندان و محرومیتش از درمان و نیز بدنبال کارزاری جهانی، به بیمارستان امام خمینی انتقال یافت. اما مقامات قضایی اسلامی در بیمارستان نیز رضا را با دستبند به تخت زنجیر کردند و حتی به او اجازه ملاقات با خانواده اش را نمیدادند. از همین رو رضا به اعتصابش ادامه داد و اعلام داشت که تا وقتی به خواستههایش پاسخ داده نشود به اعتصاب غذای خود خاتمه نخواهد داد. تا اینکه مقامات زندان دستبند را از دست او باز کردند و به او اجازه ملاقات با خانواده و دوستانش را دادند. اما رضا همچنان به اعتراضش ادامه داد و خواستار پاسخگویی صریح مقامات زندان به خواستههای فوری اش بود. در نتیجه مقامات زندان ناگزیر به نشست با او شدند و بنا بر توافق ۲۹ تیر ماه